



# ملاحظات بهره‌مندی زیرنظام‌های غیردولتی آموزش عالی از اعتبارات بخش عمومی



اتحادیه دانشگاه‌ها و موسسه‌های آموزش عالی  
غیردولتی غیرانتفاعی ایران



دانشگاه آزاد اسلامی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۶/۳۰

شماره مسلسل: ۲۰۹۸۰

کد موضوعی: ۲۷۰



مرکز پژوهش‌های  
مجلس شورای اسلامی

عنوان گزارش:

ملاحظات بهره‌مندی زیرنظام‌های غیردولتی آموزش عالی از اعتبارات بخش عمومی

نوع گزارش: طرح/لایحه  راهبردی  نظارتی  پیش‌نویس قانونی

نام دفتر:

مطالعات آموزش و فرهنگ (گروه آموزش عالی، تحقیقات و فناوری)

تهیه و تدوین:

بهرام صمدنیا

مدیر مطالعه:

حسین نصیری

ناظر علمی:

موسی بیات

ناظر علمی خارج از مرکز:

محمدقاسم تنگستانی (عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی)

اظهار نظر کننده داخل مرکز:

فاطمه تیمورا (دفتر مطالعات بخش عمومی)

اظهار نظر کننده خارج از مرکز:

سید کاظم حسینی (عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد)

گرافیک و صفحه آرایی:

سیده فاطمه ابوطالبی

ویراستار ادبی:

سیده مرضیه موسوی‌راد

واژه‌های کلیدی:

۱. زیرنظام‌های آموزش عالی
۲. آموزش عالی بخش غیردولتی
۳. تنظیم‌گری
۴. دانشگاه آزاد اسلامی

تاریخ شروع مطالعه:

۱۴۰۳/۱۰/۰۱



## فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه.....	۹
۲. روش پژوهش.....	۱۲
۳. بررسی تجربیات دولت‌ها در حمایت از آموزش عالی غیردولتی.....	۱۲
۴. تحلیل چارچوب‌های قانونی مرتبط.....	۱۴
۵. وضعیت فعلی حمایت مالی دولت از زیرنظام‌های غیردولتی آموزش عالی.....	۱۶
۶. ضرورت اصلاح قانون از دریچه مؤلفه‌های مرتبط با تنظیم‌گری.....	۱۷
۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۲۰
منابع و مآخذ.....	۲۱

## فهرست شکل

شکل ۱. نمودار سهم زیرنظام‌های آموزش عالی تولید مستندات علمی کشور در مراجع بین‌المللی (وزارت عتف، وزارت بهداشت و دانشگاه آزاد اسلامی) (تعداد).....	۹
---	---



## ملاحظات بهره‌مندی زیرنظام‌های غیردولتی آموزش عالی از اعتبارات بخش عمومی

### چکیده



بخش غیردولتی نظام آموزش عالی کشور، با جذب نزدیک به نیمی از دانشجویان و سهم قابل توجهی در تولید علم، از اهمیت بالایی برخوردار است. اصل سی‌ام قانون اساسی دولت را مکلف به حمایت جامع و هدفمند از آموزش عالی کرده و قوانین دیگر (ماده ۸۸) [قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰](#) و بند «۴» ماده (۱۰۵) [برنامه هفتم پیشرفت مصوب ۱۴۰۳](#)، نیز اجازه بهره‌مندی بخش غیردولتی از منابع بخش عمومی را داده است. در این راستا، چارچوب‌های قانونی فعلی، به‌ویژه ماده (۳۴) [قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت \(۱\)](#) و بند «۲» تبصره «۷» ماده (۱) [قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۶](#)، عمدتاً بر حمایت دانشجو محور تمرکز دارند. این رویکرد، در کنار اهمیت خود، برای توانمندسازی راهبردی مؤسسات، ارتقای کیفیت و هم‌سویی با نیازهای ملی کافی نیست و با ضعف‌هایی نظیر عدم حمایت از مؤسسات و فقدان شفافیت در تخصیص اعتبارات مواجه است.

این پژوهش استدلال می‌کند که حمایت مؤثر از آموزش عالی نیازمند رویکردی جامع مبتنی بر عدالت، کارآمدی، هدفمندی، نتیجه‌گرایی و کیفیت است که هم دانشجو و هم مؤسسه را پوشش دهد. این حمایت می‌تواند از طریق خرید خدمات یا قرارداد با دولت صورت گیرد و شامل هر دو بخش دولتی و خصوصی شود. در بخش غیردولتی و در راستای تبیین و کاربست ملاحظات بهره‌مندی این زیرنظام آموزش عالی از اعتبارات بخش عمومی پیشنهادهایی برای اصلاح ماده (۳۴) و تبصره‌های آن با بهره‌گیری از قواعد تنظیم‌گری (شامل شفافیت، استانداردهای کیفیت، حمایت هدفمند و نظارت) ارائه می‌شود تا سازوکاری برای تخصیص اعتبارات عمومی براساس شاخص‌های عملکردی و اولویت‌های ملی ایجاد شود. هدف نهایی، دستیابی به تخصیص شفاف، عادلانه، کارا، هدفمند و همسو با منافع ملی در نظام آموزش عالی است.



## بیان / شرح مسئله

نظام آموزش عالی کشور، نقش حیاتی در تأمین نیروی انسانی متخصص و پیشبرد اهداف توسعه‌ای کشور ایفا می‌کند. بخش غیردولتی آموزش عالی که نزدیک به نیمی از دانشجویان کشور را در بر می‌گیرد، سهم قابل توجهی از این مسئولیت را به دوش می‌کشد. اصل سی‌ام قانون اساسی که دولت را مکلف به تأمین آموزش عالی رایگان تا سرحد خودکفایی کرده، حمایت از بخش غیردولتی را نفی نکرده و معنی برای آن ایجاد نکرده است.

در همین راستا، ماده (۳۴) قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۱) بهره‌مندی دانشجویان غیردولتی از امکانات یارانه‌ای مشابه دانشجویان دولتی را ممکن ساخته است.

با این حال، این ماده قانونی دارای ضعف‌هایی است که اثربخشی این حمایت‌ها را دچار چالش می‌کند و تأمین منافع دولت و حاکمیت از این حمایت‌ها را با تردید مواجه می‌سازد. از جمله این ضعف‌ها می‌توان به تخصیص حمایت‌ها صرفاً به دانشجویان و عدم حمایت از مؤسسات، محدودیت دامنه شمول حمایت‌ها، فقدان شفافیت در تخصیص اعتبارات، عدم حمایت هدفمند از دانشجویان کم‌درآمد و کم‌توجهی به کیفیت آموزشی و نیازهای ملی در فرایند تخصیص حمایت‌ها اشاره کرد. این پژوهش با بررسی تجربیات بین‌المللی و استفاده از چهار قاعده تنظیم‌گری از جمله **تنظیم‌گری مبتنی بر شفافیت و استانداردهای تخصیص، تنظیم‌گری مبتنی بر استاندارد گذاری و پایش کیفیت، تنظیم‌گری حمایتی و اصلاح نابرابری‌ها و تنظیم‌گری مبتنی بر نظارت و پاسخ‌گویی**، پیشنهادهایی برای اصلاح ماده (۳۴) ارائه می‌دهد تا تخصیص اعتبارات عمومی به زیرنظام‌های غیردولتی آموزش عالی شفاف، عادلانه، کارا، هدفمند و همسو با اولویت‌ها و نیازهای ملی باشد.

## نقطه نظرات / یافته‌های کلیدی

بخش غیردولتی آموزش عالی در ایران، با پذیرش حدود ۱.۳۸ میلیون دانشجو در سال ۱۴۰۲، نقشی محوری در توسعه ظرفیت آموزشی کشور ایفا می‌کند. همچنین این زیرنظام در تولید علم مشارکت قابل توجهی دارد؛ به طوری که در سال ۲۰۲۳، دانشگاه آزاد اسلامی به تنهایی ۱۴.۵ درصد از مقالات علمی نمایه شده کشور را تولید کرده است. این آمار، نشان‌دهنده اهمیت حمایت هدفمند از این بخش برای تقویت جایگاه علمی و فناوری ایران در سطح ملی و بین‌المللی است.

ماده (۳۴) قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، تنها دانشجویان و آن‌هم دانشجویانی را که از طریق کنکور سراسری پذیرفته می‌شوند تحت پوشش قرار می‌دهد. علاوه بر این، نبود سازوکار شفاف برای تخصیص اعتبارات و عدم تأکید بر کیفیت آموزشی و اولویت‌های ملی، منجر به توزیع ناکارآمد منابع و کاهش اثربخشی حمایت‌ها شده است. این چالش‌ها همچنین حمایت از دانشجویان کم‌درآمد را محدود کرده و نابرابری‌های آموزشی را تشدید می‌کند.

به‌عنوان عملکرد این ماده قانونی هم می‌توان گفت، صندوق‌های رفاه دانشجویی با استناد به همین ماده قانونی در قالب بودجه‌های سنواتی، در طی سال‌های مختلف به دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه‌های غیرانتفاعی کمک‌های رفاهی انجام داده‌اند. برای مثال، در سال ۱۴۰۲، صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم حدود ۶۱ میلیارد تومان به دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی و ۳۷ میلیارد تومان به دانشجویان دانشگاه‌های غیرانتفاعی تسهیلات پرداخت کرده است. همچنین، صندوق رفاه دانشجویان وزارت بهداشت ۳۱ میلیارد تومان وام شهری به دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی اختصاص داده است. با این حال، این ارقام تنها بخش کوچکی از نیازهای واقعی دانشجویان بخش غیردولتی را پوشش می‌دهد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که ماده (۳۴) در شکل فعلی خود نمی‌تواند به‌طور کامل اهداف توسعه‌ای کشور در حوزه علمی و فناوری را محقق



کند و نیازمند بازنگری است. افزودن تبصره‌هایی برای تعیین شاخص‌های عینی تخصیص اعتبارات، الزام به رعایت استانداردهای آموزشی و تمرکز بر نیازهای ملی و دانشجویان محروم، می‌تواند کارایی و عدالت در استفاده از منابع عمومی را بهبود بخشد. این اصلاحات همچنین به همسویی فعالیت‌های زیرنظام‌های غیردولتی با اولویت‌های کلان کشور کمک خواهد کرد.

### پیشنهاد راهکارهای تقنینی، نظارتی یا سیاستی

یافته‌ها نشان می‌دهد که اصلاح ماده (۳۴) قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۱) و بهبود سازوکارهای تخصیص اعتبارات می‌تواند به افزایش کارایی، عدالت و همسویی با اهداف ملی منجر شود. متن فعلی ماده (۳۴) به شرح زیر است:

**متن ماده (۳۴):**

«کلیه دانشجویان دانشگاه‌های غیرانتفاعی - غیردولتی که از طریق کنکور سراسری پذیرفته می‌شوند، دانشجویان دوره‌های شبانه و دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی از امکانات یارانه‌ای نظیر دانشجویان دانشگاه‌های دولتی بهره‌مند می‌گردند».

بر این اساس، پیشنهاد می‌شود:

#### الف) اصلاح ماده (۳۴):

«به منظور ارتقای کیفیت، تحقق عدالت آموزشی و همسویی با نیازهای ملی، دولت موظف است از دانشجویان و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی، اعم از غیرانتفاعی، دانشگاه آزاد اسلامی و سایر مؤسسات غیردولتی دارای مجوز از مراجع ذیصلاح، مطابق با اصول و سازوکارهای مندرج در تبصره‌های این ماده، حمایت به عمل آورد».

#### ب) الحاق تبصره‌های پیشنهادی ذیل ماده (۳۴):

۱ «تسهیلات مربوط به مؤسسات موضوع این ماده توسط سازمان برنامه و بودجه با همکاری وزارتین علوم و بهداشت، براساس شاخص‌های عملکردی عینی و شفاف نظیر کیفیت آموزشی، دستاوردهای پژوهشی و میزان فعالیت در رشته‌های راهبردی و اولویت‌های ملی، مستقیماً به مؤسسات واجد شرایط تخصیص می‌یابد. همچنین اعتبارات حمایتی از دانشجویان از طریق صندوق رفاه دانشجویی تخصیص می‌یابد که این صندوق‌ها موظف‌اند حداقل ۳۰ درصد از اعتبارات مذکور را به دانشجویان کم‌درآمد و دانشجویان بومی مناطق محروم اختصاص دهند. وزارتین علوم و بهداشت موظف‌اند فهرست رشته‌ها و حوزه‌های راهبردی و اولویت‌های ملی موضوع این تبصره را به‌طور سالانه اعلان عمومی نمایند و نیز سازوکارهای لازم برای شناسایی دانشجویان نیازمند حمایت را براساس اطلاعات دریافتی از دانشگاه‌ها تدوین و به مؤسسات جهت اجرا ابلاغ کنند».

۲ «مؤسسات دریافت‌کننده اعتبارات موضوع این ماده، موظف به رعایت استانداردهای آموزشی مصوب وزارتین علوم و بهداشت هستند و باید اطلاعات دقیق و به‌روز در خصوص موارد زیر ارائه دهند: اطلاعات مالی، آموزشی، نیروی انسانی، دانشجویان و پروژه‌های پژوهشی. در صورت عدم رعایت استانداردها یا عدم ارائه اطلاعات، مؤسسه از دریافت اعتبارات محروم خواهد شد».

۳ «به منظور نظارت بر تخصیص و استفاده از اعتبارات موضوع این ماده، کمیته‌هایی تحت عنوان «کمیته نظارت بر تخصیص اعتبارات آموزش عالی غیردولتی» در وزارتین علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تشکیل می‌شود. این کمیته‌ها موظف‌اند عملکرد مؤسسات غیردولتی تحت پوشش خود و نحوه تخصیص اعتبارات را به‌صورت دوره‌ای بررسی و گزارش کنند. ترکیب اعضای هر کمیته شامل نمایندگان بخش‌های زیر خواهد بود:

نماینده وزارت علوم یا وزارت بهداشت (بسته به حوزه تحت پوشش)،

نماینده سازمان برنامه و بودجه کشور،

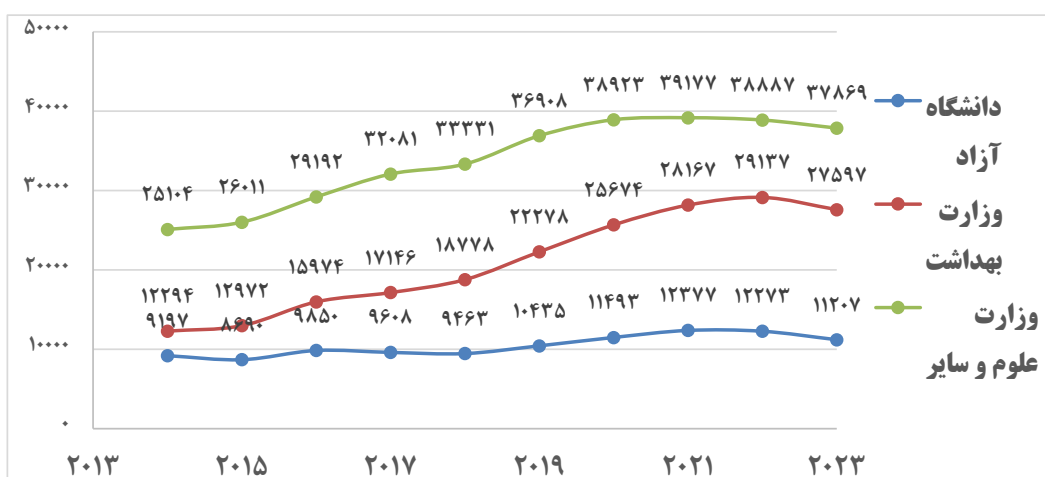
نماینده دانشگاه‌های غیردولتی (شامل دانشگاه آزاد اسلامی و مؤسسات غیرانتفاعی).

همچنین، وزارتین علوم و بهداشت موظف‌اند سامانه‌ای الکترونیکی برای ردیابی و نظارت بر تخصیص و استفاده از اعتبارات موضوع این ماده رازیر نظر کمیته موضوع این تبصره ایجاد کنند. این سامانه باید امکان دسترسی عمومی به اطلاعات مربوط به تخصیص اعتبارات و عملکرد مؤسسات را فراهم نمایند». کمیته نظارتی فوق‌الذکر موظف است گزارش اجرای این ماده قانونی را به صورت سالانه به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید». پیشنهادهای فوق با هدف افزایش شفافیت، بهبود کیفیت آموزشی و انطباق با نیازهای ملی طراحی شده‌اند تا حمایت از بخش غیردولتی آموزش عالی در چارچوبی کارآمد، عادلانه و همسو با اهداف کلان کشور صورت پذیرد.

## ۱. مقدمه

نظام آموزش عالی کشور، متشکل از دانشگاه‌ها و مؤسسات دولتی و غیردولتی، نقشی اساسی در تربیت نیروی انسانی متخصص و تحقق اهداف توسعه‌ای کشور ایفا می‌کند. بخش غیردولتی آموزش عالی با پذیرش حدود ۱.۳۸ میلیون دانشجو در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹، معادل بیش از ۴۶ درصد کل دانشجویان کشور، سهم قابل توجهی در گسترش دسترسی به آموزش عالی دارد. این مؤسسات با بهره‌مندی از اعضای هیئت علمی و زیرساخت‌های پژوهشی و آزمایشگاهی، در تولید علم و فناوری مشارکت دارند. برای مثال، در سال ۲۰۲۳، زیرنظام‌های غیردولتی ۱۱,۲۰۷ مقاله علمی منتشر کردند که ۱۴.۵ درصد از کل تولیدات علمی کشور را تشکیل می‌دهد. در این سال، سهم وزارت علوم ۳۷,۸۶۹ مقاله (۴۹ درصد) و وزارت بهداشت ۲۷,۵۹۷ مقاله (۳۵.۷ درصد) بوده است (شکل ۱).

شکل ۱. نمودار سهم زیرنظام‌های آموزش عالی از تولید مستندات علمی کشور در مراجع بین‌المللی (وزارت عتف، وزارت بهداشت و دانشگاه آزاد اسلامی) (تعداد) [۲]



بر این اساس، حمایت از بخش غیردولتی آموزش عالی به دلایل متعددی ضرورت می‌یابد، چراکه اولاً، این بخش با پذیرش بخش عمده‌ای از دانشجویان، بار مالی دولت را در تأمین آموزش عالی کاهش می‌دهد. همچنین، با مشارکت در تولید علم و توسعه فناوری، ظرفیت کشور برای دستیابی به خودکفایی علمی را تقویت می‌کند و نیز با تنوع در ارائه برنامه‌های آموزشی و پژوهشی، به ویژه در رشته‌های مورد نیاز بازار کار و مناطق محروم، می‌تواند برای رفع نیازهای



ملی و منطقه‌ای کمک‌رسان باشد. این نقش‌ها، نشان‌دهنده اهمیت حمایت‌دهندگان از زیرساخت‌های غیردولتی برای پیشبرد توسعه کشور و تحقق مأموریت‌های نظام آموزش عالی است.

حمایت دولت از آموزش عالی، ریشه در اصول قانون اساسی، به‌ویژه اصل سی‌ام دارد که بر مکلف بودن دولت به تأمین آموزش عالی رایگان تا سرحد خودکفایی تأکید می‌کند. این اصل البته هرگز حمایت از بخش غیردولتی را نفی نکرده و معنی برای آن ایجاد نکرده است. در راستای این تکلیف قانونی و لزوم منطقی کردن حجم و اندازه دولت، کاهش تدریجی اعتبارات هزینه‌ای و بهبود ارائه خدمات به مردم و جلب مشارکت بخش غیردولتی و توسعه اشتغال، قوانین دیگری نیز تدوین شده‌اند. از جمله، ماده (۸۸) [قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰](#)، دستگاه‌های اجرایی را مجاز دانسته تا خدمات اجتماعی، فرهنگی، خدماتی و رفاهی را از طریق اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی به سه روش خرید خدمات، مشارکت یا واگذاری مدیریت به بخش غیردولتی ارائه دهند. این ماده به دولت اجازه می‌دهد از طریق پرداخت هزینه سرانه خدمات، نسبت به خرید خدمات و ارائه آن به مردم طبق شرایط دولتی اقدام نماید. همچنین، بند «۴» ماده (۱۰۵) [قانون برنامه هفتم پیشرفت](#) بر توسعه کمی خدمات دستگاه‌های اجرایی از طریق خرید خدمات از بخش غیردولتی با پرداخت هزینه‌ها متناسب با قیمت تمام‌شده خدمات مشابه تأکید دارد و ارائه خدمات جاری را نیز به صورت تدریجی از همین روش ممکن می‌سازد.

مستفاد از این قوانین، دولت می‌بایست به سمت رویکردی جامع‌تر و هدفمندتر در حمایت از آموزش عالی حرکت کند که تنها شامل حمایت مستقیم از دانشجو نباشد، بلکه به حمایت راهبردی و مستقیم از مؤسسات (زیرساخت‌ها) نیز معطوف شود. با این حال، در حال حاضر، ماده (۳۴) [قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت \(۱\)](#)، مصوب ۱۳۸۴، امکان بهره‌مندی دانشجویان مؤسسات غیردولتی از امکانات یارانه‌ای مشابه دانشجویان دولتی را فراهم کرده است. همچنین، بند «۲» تبصره «۷» ماده (۱) [قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور](#)، مصوب ۱۳۹۶، به دولت اجازه داده تا برای حمایت از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی، آزاد اسلامی، علمی-کاربردی، پیام نور، فنی و حرفه‌ای و مؤسسات غیردولتی دارای مجوز از وزارتین علوم یا بهداشت، تسهیلات اعتباری برای وام‌های بلندمدت قرض الحسنه از طریق صندوق رفاه دانشجویان یا سایر نهادهای ذی‌ربط اختصاص دهد. این رویکردها نشان‌دهنده پذیرش نقش مؤثر بخش غیردولتی در توسعه آموزش عالی کشور است.

بنابراین چارچوب قانونی و سیاستی فعلی کشور در حوزه‌های حمایتی آموزش عالی، عمدتاً بر رویکرد حمایت از دانشجو متمرکز بوده و در حوزه حمایت راهبردی از مؤسسات دچار ضعف و خلأ است. علاوه بر این، ضعف‌هایی نظیر محدودیت دامنه شمول حمایت‌ها، فقدان شفافیت در تخصیص اعتبارات، عدم حمایت هدفمند از دانشجویان کم‌درآمد و کم‌توجهی به کیفیت آموزشی و نیازهای ملی در فرایند تخصیص حمایت‌ها، اثربخشی این حمایت‌ها را نیز دچار چالش کرده و تأمین منافع دولت و حاکمیت را با تردید مواجه می‌سازد. این گزارش استدلال می‌کند که بدون تقویت رویکرد دوم (حمایت از مؤسسات) و اصلاح قوانین موجود، به‌ویژه ماده (۳۴)، اهدافی چون ارتقای کیفیت، انطباق با نیازهای ملی و تحقق کامل عدالت آموزشی، دست‌یافتنی نخواهد بود. این نوع حمایت، که می‌تواند در قالب **سرانه آموزشی، خرید خدمات، گزینش‌های توسعه‌ای و اعتبارات پژوهشی** تخصیص یابد، ابزار اصلی دولت برای جهت‌دهی به نظام آموزش عالی و تضمین منافع ملی است.

با در نظر گرفتن این مواد قانونی و با رویکرد عدالت‌محوری، کارآمدی، هدفمندی، نتیجه‌گرایی و کیفیت، ضروری است که حمایت از آموزش عالی از قالب صرفاً دانشجو‌محور خارج شده و شامل حمایت از مؤسسات نیز باشد. نکته **حائز اهمیت این است که این چارچوب جدید باید شامل دانشگاه‌های دولتی نیز بشود**، به طوری که هر

مؤسسه آموزش عالی، اعم از دولتی یا خصوصی که بتواند نیازهای جامعه را برطرف کند، مشمول این ضوابط جدید قرار گیرد. در حوزه بخش خصوصی، ماده (۳۴) **قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۱)** نیازمند اصلاح است تا بتواند این رویکردهای نوین را پوشش دهد. در این خصوص، پرواضح است که تخصیص اعتبارات عمومی به زیرنظام‌های غیردولتی آموزش عالی باید با ملاحظات دقیقی همراه باشد تا اطمینان حاصل شود که این منابع در راستای منافع ملی و اهداف کلان کشور هزینه می‌شوند. این ملاحظات شامل موارد زیر است:

**۱ حفظ و ارتقای کیفیت آموزشی:** اعتبارات عمومی باید به گونه‌ای تخصیص یابد که منجر به حفظ و ارتقای کیفیت آموزش و پژوهش در مؤسسات غیردولتی متناسب با استانداردها اعلامی توسط وزارتین علوم و بهداشت شود و از افت کیفیت به دلیل کم‌توجهی به استانداردهای آموزشی جلوگیری کند.

**۲ حفظ کارایی و اثربخشی:** تخصیص منابع عمومی باید مبتنی بر شاخص‌های عملکردی باشد تا اطمینان حاصل شود که این منابع به گونه‌ای بهینه هزینه می‌شوند.

**۳ انطباق با اهداف و نیازهای ملی:** مؤسسات غیردولتی باید در راستای اولویت‌های ملی (مانند تمرکز بر رشته‌های کم‌طرفدار و درعین حال راهبردی، آموزش نیروی انسانی مورد نیاز مناطق محروم، یا مشارکت در پروژه‌های کلان فناوری) فعالیت کنند تا تخصیص اعتبارات عمومی به زیرنظام‌های غیردولتی توجیه پذیر باشد.

**۴ تحقق عدالت آموزشی:** در نظام اعتقادی و قانونی کشورمان، عدالت جایگاه ویژه‌ای دارد؛ به طوری که بند «۹» اصل سوم قانون اساسی بر «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه» تأکید می‌کند. از این رو، تخصیص اعتبارات عمومی باید به گونه‌ای باشد که به نفع دانشجویان محروم و کم‌بضاعت عمل کند و نابرابری‌های آموزشی را کاهش دهد. ماده (۱) **قانون تأسیس صندوق رفاه دانشجویان** (مصوب ۱۳۷۱) نیز با هدف کمک به دانشجویان مستعد و کم‌بضاعت تدوین شده و این ملاحظه را تقویت می‌کند.

بر این اساس، این پژوهش با هدف بررسی ملاحظات تخصیص اعتبارات عمومی به زیرنظام‌های غیردولتی آموزش عالی، به تحلیل زمینه‌ها، چالش‌های موجود و ارائه راهکارهای بهینه برای ارتقای این فرایند می‌پردازد. در این راستا، پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا با بررسی قوانین و مقررات موجود، تحلیل تجربیات گذشته و شناسایی نقاط قوت و ضعف نظام فعلی، چارچوبی جامع برای تخصیص اعتبارات عمومی به بخش غیردولتی ارائه دهد، به گونه‌ای که ضمن حمایت از توسعه کیفی و کمی آموزش عالی غیردولتی، منافع ملی و اهداف کلان کشور را نیز تأمین کند. به‌طور مشخص، این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش‌هاست:

**۱** میزان و نحوه حمایت‌های مالی فعلی دولت از زیرنظام‌های غیردولتی آموزش عالی چگونه است؟  
**۲** چه الگوهایی از تخصیص اعتبارات در سایر کشورها اجرا شده و آیا این مدل‌ها می‌توانند در ایران نیز به کار آیند؟  
**۳** مهم‌ترین چالش‌ها و موانع قانونی موجود در بهره‌مندی زیرنظام‌های غیردولتی از اعتبارات عمومی کدام هستند؟  
**۴** چگونه می‌توان اعتبارات عمومی را به گونه‌ای تخصیص داد که ضمن حفظ و ارتقای کیفیت آموزشی در مؤسسات غیردولتی، اطمینان حاصل شود این اعتبارات به صورت کارآمد و اثربخش هزینه شده و فعالیت‌های این مؤسسات با اولویت‌ها و نیازهای ملی همسو باشند؟

نتایج این پژوهش می‌تواند به سیاستگذاران و تصمیم‌گیران کمک کند تا با اتخاذ رویکردی هدفمند و مبتنی بر شواهد، از هدررفت منابع عمومی جلوگیری کرده و درعین حال، زمینه را برای توسعه و پیشرفت دائمی و متوازن آموزش عالی کشور فراهم کنند. در نهایت، این مطالعه می‌تواند مبنایی برای تدوین قوانین و مقررات جدید با اصلاح قوانین موجود باشد تا حمایت از بخش غیردولتی آموزش عالی در چارچوبی شفاف، عادلانه و کارآمد صورت پذیرد.



## ۲. روش پژوهش



در این پژوهش، با هدف بررسی ملاحظات بهره‌مندی زیرنظام‌های غیردولتی آموزش عالی از اعتبارات بخش عمومی، از روش‌های ترکیبی (کمی و کیفی) استفاده شده است. در این راستا، ابتدا تجربیات بین‌المللی کشورهایی مانند ایالات متحده، آلمان، ژاپن و چین در زمینه حمایت از آموزش عالی غیردولتی بررسی شد. در ادامه، متن قانون اساسی مورد بررسی قرار گرفت. همچنین، قوانین و مقررات مرتبط، از جمله [قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت \(۱\)](#) تحلیل شدند. در ادامه، داده‌های آماری مربوط به حمایت‌های مالی دولت از زیرنظام‌های غیردولتی آموزش عالی، شامل میزان اعتبارات اختصاص یافته و نحوه توزیع منابع، از منابع رسمی مانند گزارش‌های بودجه، آمارهای وزارت علوم و سایر نهادهای مرتبط گردآوری و تحلیل شدند. علاوه بر این، در مرحله بعد، **تنظیم‌گری** به عنوان چارچوبی برای تحلیل و بهبود نظام تخصیص اعتبارات عمومی به زیرنظام‌های غیردولتی آموزش عالی مورد استفاده قرار گرفت و در پایان، داده‌های گردآوری شده از اسناد، قوانین و گزارش‌ها به صورت کمی و کیفی تحلیل شده و یافته‌ها در قالب پیشنهادی سیاستی مشخص ارائه شدند.

## ۳. بررسی تجربیات دولت‌ها در حمایت از آموزش عالی غیردولتی



آموزش عالی به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها، همواره مورد توجه سیاستگذاران و برنامه‌ریزان بوده است. در این میان، نقش بخش غیردولتی در توسعه آموزش عالی در کشورهای مختلف اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. بررسی تجربیات بین‌المللی در این زمینه نشان می‌دهد که کشورهای مختلف با توجه به ساختار اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خود، رویکردهای متفاوتی را در حمایت مالی از آموزش عالی غیردولتی اتخاذ کرده‌اند. برای مثال، در ایالات متحده آمریکا، که همواره در رتبه‌بندی‌های جهانی مانند QS و Times به دلیل کیفیت بالای آموزشی و پژوهش‌های پیشرفته در جایگاه‌های برتر قرار دارد، نظام آموزش عالی به شدت مبتنی بر قاعده شهریه‌های بالا و یارانه‌های زیاد است. در این کشور، آموزش عالی غیردولتی نقش بسیار پررنگی ایفا می‌کند و بخش عمده‌ای از دانشگاه‌های مطرح، خصوصی هستند. دولت فدرال و دولت‌های ایالتی از طریق رویکردی چندوجهی، هم از مؤسسات غیردولتی و هم از دانشجویان شان حمایت می‌کنند. این حمایت از طریق **گرن‌ها و قرار دادهای تحقیقاتی قابل توجه** (مانند کمک‌های بنیاد ملی علوم<sup>۱</sup> و مؤسسه ملی سلامت)<sup>۲</sup> به دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی غیردولتی صورت می‌گیرد که بخش مهمی از بودجه پژوهشی آنها را تأمین کرده و به ارتقای کیفیت و اعتبارشان کمک می‌کند. همچنین، بسیاری از دانشگاه‌های غیرانتفاعی از معافیت‌های مالیاتی بهره‌مند هستند که امکان صرف منابع بیشتری را برای اهداف آموزشی و پژوهشی فراهم می‌آورد. در بُعد حمایت از دانشجویان نیز، دولت از طریق **کمک‌های مالی مبتنی بر نیاز و شایستگی** (مانند وام‌های دانشجویی، کمک‌های بلاعوض و بورسیه‌های تحصیلی) به افزایش دسترسی به آموزش عالی کمک می‌کند. این رویکرد باعث شده است که بخش خصوصی نقش پررنگی در آموزش عالی این کشور ایفا کرده و مؤسسات غیردولتی بتوانند با جذب دانشجویان بیشتر، منابع مالی خود را افزایش دهند [۳].

در مقابل، در آلمان، که به دلیل ارائه آموزش رایگان یا کم‌هزینه یکی از مقاصد اصلی دانشجویان محسوب می‌شود، قاعده شهریه پایین و یارانه اندک حاکم است. سیستم آموزش عالی آلمان، عمدتاً دولتی است و دانشگاه‌های عمومی بخش اعظم دانشجویان را پوشش می‌دهند؛ دولت عمده هزینه‌های آموزش عالی را از طریق بودجه عمومی تأمین می‌کند و شهریه‌های بسیار پایینی از دانشجویان دریافت می‌شود. با این حال،

1. NSF  
2. NIH

تعداد محدودی از دانشگاه‌های خصوصی نیز در سال‌های اخیر رشد کرده‌اند. دولت آلمان، از طریق طرح‌هایی مانند **بافوگ**<sup>۱</sup> که یک نظام کمک مالی مبتنی بر نیاز است، به دانشجویان (اعم از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی و خصوصی) کمک می‌کند تا هزینه‌های زندگی و تحصیل خود را تأمین کنند. این وام‌ها و بورسیه‌های دولتی اگر چه مستقیماً به دانشجویان اعطا می‌شوند، اما با افزایش دسترسی به آموزش عالی برای اقشار مختلف جامعه، به **مؤسسات غیردولتی** نیز در جذب دانشجویان بیشتر و توسعه خود کمک می‌کنند. این رویکرد باعث شده است که دسترسی به آموزش عالی در آلمان برای اقشار مختلف جامعه فراهم شود و مؤسسات غیردولتی نیز بتوانند به رشد و توسعه خود ادامه دهند [۳].

در ژاپن، نیز که به دلیل همکاری نزدیک دانشگاه‌ها با صنعت و تأکید بر پژوهش‌های کاربردی، در رتبه‌بندی‌های بین‌المللی جایگاه بالایی دارد، قاعده شهر به بالا و یارانه اندک حاکم است. به طوری که در این کشور، دولت ژاپن، بیشترین نقش را به بخش خصوصی محول کرده و مؤسسات غیردولتی عمده هزینه‌های خود را از طریق شهریه تأمین می‌کنند. با این حال، دولت از طریق یارانه‌های محدود و حمایت از پژوهش‌ها، به مؤسسات غیردولتی کمک می‌کند تا کیفیت آموزشی خود را حفظ کنند. این تجربه نشان می‌دهد که حتی در نظام‌هایی با یارانه اندک، دولت می‌تواند با حمایت‌های هدفمند (مانند حمایت از پژوهش) به مؤسسات غیردولتی کمک کند [۳].

در مجموع، بررسی تجربیات بین‌المللی در زمینه حمایت از آموزش عالی غیردولتی نشان می‌دهد که کشورهای مختلف، با توجه به شرایط خاص خود، رویکردهای متنوعی را برای تخصیص اعتبارات عمومی به این بخش اتخاذ کرده‌اند. در برخی کشورها مانند ایالات متحده و ژاپن، بخش خصوصی نقش اصلی را در تأمین مالی آموزش عالی ایفا می‌کند و دولت از طریق حمایت‌های مالی هدفمند (مانند بورسیه‌ها، وام‌ها و کمک‌های بلاعوض) به افزایش دسترسی به آموزش عالی کمک می‌کند. در برخی کشورها مانند آلمان، دولت عمده هزینه‌ها را تأمین می‌کند، اما با استفاده از نظام‌های حمایتی مبتنی بر نیاز، به دانشجویان کم‌درآمد کمک می‌کند تا از فرصت‌های آموزشی بهره‌مند شوند. این تجربیات نشان می‌دهد که حمایت‌های هدفمند از بخش غیردولتی، نه تنها به افزایش دسترسی و کیفیت آموزشی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند بار مالی دولت را نیز کاهش دهد.

از سوی دیگر، تجربیات بین‌المللی تأکید می‌کنند که حمایت از بخش غیردولتی باید با اهداف و نیازهای ملی همسو باشد. برای مثال، در چین، برنامه‌های ویژه مانند پروژه‌های ۲۱۱ و ۹۸۵ به دانشگاه‌های برتر کمک می‌کند تا در راستای اولویت‌های ملی فعالیت کنند. [۴] این رویکردها نشان می‌دهد که حمایت‌های مالی باید به گونه‌ای طراحی شوند که ضمن حفظ کیفیت آموزشی، فعالیت‌های مؤسسات غیردولتی را با نیازهای کلان کشور همسو کنند. علاوه بر این، حمایت‌های مبتنی بر شاخص‌های عملکردی (مانند کیفیت آموزشی، پژوهش و انطباق با نیازهای ملی) می‌تواند به بهبود اثربخشی تخصیص اعتبارات عمومی منجر شود. همچنین مطالعه دیگری [۵] نشان داده که عنصر مشترک در قوانین اساسی کشورها، حمایت هدفمند و عادلانه دولت از آموزش عالی است. برای مثال در قانون اساسی ایتالیا دولت حامی افراد با استعدادی است که توان مالی کافی برای مدارج علمی ندارند. یا در قانون اساسی اسپانیا دولت ملزم به هدایت آموزش علوم و تحقیقات در مسیر منافع عمومی است و نیز در متن قوانین اساسی کشورهای مورد مطالعه، دولتی یا غیردولتی بودن ارائه آموزش عالی، به صراحت بیان نشده، اما بیش از آنکه سیطره دولت بر آموزش عالی آشکار باشد، دولت به عنوان یک تنظیم‌گر و تسهیلگر فرض شده و نیز میزان حمایت دولت از رشته‌های دانشگاهی مختلف یکسان نیست. در واقع دولت، مسئول تنظیم شرایط و ضوابط حاکم بر این مقوله و نظارت بر رعایت آن را بر عهده دارد.

با بهره‌گیری از این تجربیات، ضرورت دارد که در ایران نیز سازوکارهای شفاف و هدفمندی برای تخصیص اعتبارات عمومی به زیرنظام‌های غیردولتی آموزش عالی ایجاد شود تا ضمن حمایت عادلانه از توسعه این بخش، اهداف ملی و نیازهای راهبردی کشور نیز تأمین شوند.



## ۴. تحلیل چارچوب‌های قانونی مرتبط



این بخش از گزارش با هدف تبیین چارچوب قانونی حاکم بر موضوع، به بررسی اسناد و قوانین بالادستی مرتبط با حمایت از زیرنظام‌های غیردولتی آموزش عالی می‌پردازد. در این راستا، قوانین و اسناد کشور به‌عنوان مبانی حقوقی و سیاستی برای حمایت هدفمند از مؤسسات غیردولتی مورد تحلیل قرار می‌گیرند. **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، به‌ویژه **اصل سی‌ام**، ضمن تأکید بر وظیفه دولت در تأمین آموزش عالی رایگان تا سرحد خودکفایی، حمایت از بخش غیردولتی در حوزه آموزش عالی را رد نکرده است. این اصل می‌تواند به‌عنوان مبنای قانونی برای حمایت هدفمند از مؤسسات غیردولتی در راستای تحقق اهداف توسعه‌ای کشور مورد توجه قرار گیرد. همچنین، برخی قوانین موضوعه نیز چارچوب‌های کلی برای نحوه تأمین مالی و تخصیص اعتبارات در بخش‌های مختلف، از جمله آموزش عالی، تعیین کرده‌اند. برای مثال، ماده (۳۴) **قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۱)**، مصوب ۱۳۸۴ سازوکاری کلی برای تخصیص اعتبارات عمومی به بخش‌های غیردولتی پیش‌بینی کرده‌اند. بررسی دقیق این قوانین مرتبط با موضوع پژوهش، می‌تواند به شناسایی ظرفیت‌ها و محدودیت‌های قانونی موجود کمک کند.

### ۴-۱. ظرفیت‌های قانون اساسی در حمایت از زیرنظام‌های غیردولتی آموزش عالی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان سند بالادستی و میثاق ملی، چارچوبی بنیادین برای سیاست‌گذاری‌های حوزه آموزش عالی تعیین می‌کند. این قانون، ضمن تأکید قاطع بر تعهد دولت به فراهم‌آوری آموزش رایگان در سطوح مختلف، از جمله گسترش تحصیلات عالی (**اصل سی‌ام**)، ظرفیت‌هایی را برای حضور و مشارکت سایر بخش‌ها در راستای تحقق اهداف توسعه‌ای کشور نیز پیش‌بینی کرده است. این تحلیل به بررسی این ظرفیت‌های حقوقی در قانون اساسی برای حمایت هدفمند از مؤسسات آموزش عالی غیردولتی می‌پردازد. اگرچه حمایت مالی صریح از این مؤسسات در قانون اساسی ذکر نشده، اما اصول مختلف مبنای حقوقی لازم برای چنین حمایت‌هایی را فراهم می‌کنند. در این زمینه، **اصل چهل و چهارم** قانون اساسی با شناسایی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران متشکل از سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی و تأکید بر نقش هر یک، مجوز حضور و فعالیت بخش غیردولتی در عرصه‌های مختلف، از جمله آموزش عالی را صادر می‌کند و به این ترتیب، موجودیت این مؤسسات را به رسمیت می‌شناسد.

فراتر از صرف به رسمیت شناختن، اصول دیگری نیز اهدافی را ترسیم می‌کنند که حمایت هدفمند از مؤسسات غیردولتی می‌تواند در مسیر تحقق آن‌ها مؤثر باشد. برای مثال، **اصل سوم** که بر «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه» تأکید دارد، چارچوبی برای دسترسی عادلانه‌تر به آموزش عالی فراهم می‌آورد. در حالی که وظیفه اصلی بر عهده دولت است (**اصل سی‌ام**)؛ سیاست‌های حمایتی هدفمند از مؤسسات غیردولتی در مناطق کمتر برخوردار یا کمک به دانشجویان کم‌بضاعت برای تحصیل در این مؤسسات، می‌تواند به کاهش نابرابری‌های آموزشی و تحقق عدالت مورد نظر این اصل کمک کند.

همچنین، **اصل چهل و سوم** قانون اساسی با تأکید بر «تأمین استقلال اقتصادی» و «تأمین نیازهای اساسی جامعه» و ضرورت تربیت نیروی انسانی ماهر متناسب با احتیاج، اهمیت انطباق آموزش عالی با نیازهای واقعی کشور را برجسته می‌سازد. حمایت مالی هدفمند از مؤسسات آموزش عالی غیردولتی که در رشته‌های تحصیلی یا حوزه‌های پژوهشی راهبردی و مورد نیاز کشور فعالیت می‌کنند یا به تولید دانش و فناوری کمک می‌کنند، می‌تواند در راستای اهداف این اصل توجیه شود، مشروط بر اینکه این حمایت‌ها در چارچوبی شفاف و مبتنی بر ارزیابی صورت پذیرند تا به ارتقای کیفیت و کارایی منجر شوند.

با توجه به تحلیل اصول ذکر شده، از جمله اصول سوم، سی‌ام، چهل و سوم و چهل و چهارم، مشخص می‌شود که قانون اساسی جمهوری اسلامی

ایران، ظرفیت‌های حقوقی لازم و توجیهات سیاستی کافی برای حمایت هدفمند از مؤسسات آموزش عالی غیردولتی را داراست.

## ۲-۴. ظرفیت‌ها و چالش‌های ماده (۳۴) قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۱)

متن ماده (۳۴): «کلیه دانشجویان دانشگاه‌های غیرانتفاعی - غیردولتی که از طریق کنکور سراسری پذیرفته می‌شوند، دانشجویان دوره‌های شبانه و دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی از امکانات یارانه‌ای نظیر دانشجویان دانشگاه‌های دولتی بهره‌مند می‌گردند».

این ماده نشان‌دهنده ظرفیت قانونی دولت برای تخصیص اعتبارات عمومی به بخش غیردولتی و ارائه امکانات یارانه‌ای را داراست. باین حال، نحوه تخصیص این اعتبارات در عمل جالب توجه است؛ در حال حاضر، این منابع با اولویت ثبت‌نام دانشجویان در سایت صندوق رفاه دانشجویان توزیع می‌شود و این فرایند تا زمان اتمام بودجه صندوق ادامه می‌یابد. این سازوکار، البته با بند دوم تبصره «۷» ماده (۱) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور (مصوب ۱۳۹۶/۰۱/۱۶) ارتباطی معنادار دارد. بند مذکور بیان می‌دارد: «به دولت اجازه داده می‌شود به منظور حمایت از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی، آزاد اسلامی، علمی - کاربردی و پیام‌نور و دانشگاه‌های فنی و حرفه‌ای و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی که دارای مجوز از وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری یا بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشند، تسهیلات اعتباری در اختیار صندوق رفاه دانشجویان و یا سایر نهادهای ذی‌ربط برای پرداخت وام بلندمدت قرض الحسنه به دانشجویان قرار دهد». آنچه روشن است اینکه این بند دامنه شمول حمایت‌ها را گسترده‌تر از ماده (۳۴) تعریف کرده و نیز به صراحت به تسهیلات اعتباری برای وام‌های بلندمدت اشاره دارد، در حالی که ماده (۳۴) به امکانات یارانه‌ای کلی‌تر و بدون ذکر مصادیق مشخص محدود شده است. البته این موضوع می‌تواند نشان‌دهنده ظرفیت تکمیلی بند «۲» تبصره «۷» برای تقویت حمایت‌ها از زیرنظام‌های غیردولتی باشد. باین حال، بررسی دقیق‌تر ماده (۳۴) نشان می‌دهد که چالش‌ها و کاستی‌هایی در این ماده قانونی وجود دارد که می‌تواند اثربخشی آن را تحت تأثیر قرار دهد. این چالش‌ها عبارتند از:

**۱ ضعف بنیادین در فلسفه حاکم بر قانون:** تمرکز صرف بر حمایت از دانشجو: در نگاهی عمیق به وضعیت موجود و بررسی ماهیت اعتبارات و سازوکارهای قانونی، چالش‌های ماده (۳۴) صرفاً نواقص جزئی در اجرای قانون نیستند، بلکه همگی نشانه‌هایی از یک ضعف بنیادین در فلسفه حاکم بر این ماده هستند. این ماده و سازوکارهای اجرایی مرتبط با آن، اساساً برای «حمایت از دانشجو» طراحی شده‌اند و فاقد هرگونه ابزار مؤثر برای «حمایت راهبردی و مبتنی بر عملکرد از خود مؤسسه» هستند. در نتیجه، رویکرد فعلی قانون نمی‌تواند به سیاستگذار برای ارتقای کیفیت آموزش در زیرنظام‌های غیردولتی، هدایت این مؤسسات به سمت رشته‌های اولویت‌دار و استراتژیک کشور، یا الزام آنها به پاسخ‌گویی شفاف در برابر منابع عمومی کمکی کند. بنابراین، هرگونه اصلاح مؤثر و پایدار، نیازمند فراتر رفتن از رویکرد فعلی و ایجاد یک چارچوب قانونی جدید است که بر حمایت مستقیم و مبتنی بر عملکرد از خود مؤسسات تأکید ورزد تا در ضمن این تغییر رویکرد بنیادین، چالش‌های موجود نیز به صورت ریشه‌ای رفع شوند.

**۲ محدودیت دامنه شمول حمایت‌ها:** ماده (۳۴) تنها دانشجویانی را شامل می‌شود که از طریق کنکور سراسری پذیرفته شده‌اند. این در حالی است که هم در حال حاضر (مانند دانشجویان استعداد درخشان که بدون کنکور پذیرش می‌شوند) و هم با توجه به روند احتمالی آینده که دانشگاه‌ها ممکن است رأساً به پذیرش دانشجو اقدام کنند و لزومی به ثبت نام در آزمون سراسری نباشد. این محدودیت باعث می‌شود بخشی از دانشجویان غیردولتی از حمایت‌های مالی محروم شوند و عدالت آموزشی تحت تأثیر قرار گیرد.

**۳ فقدان شفافیت در تخصیص اعتبارات:** ماده (۳۴) سازوکار شفاف برای تخصیص اعتبارات ارائه نمی‌دهد. آیین‌نامه اجرایی هم برای این ماده پیش‌بینی نشده است. این موضوع می‌تواند منجر به تخصیص ناعادلانه و ناکارآمد منابع شود و ممکن است اعتبارات به صورت بهینه هزینه نشوند. علاوه بر این، عدم شفافیت می‌تواند زمینه‌ساز سوءاستفاده از منابع عمومی شود.

**۴ کم‌توجهی به کیفیت آموزشی در فرایند تخصیص حمایت‌ها:** ماده (۳۴) شرطی برای کیفیت آموزشی مؤسسات غیردولتی در فرایند تخصیص حمایت‌ها قائل نشده است. این موضوع می‌تواند باعث شود اعتبارات عمومی به مؤسسات با کیفیت پایین یا دانشجویان با عملکرد



ضعیف تخصیص داده شود و کیفیت آموزشی را تحت تأثیر قرار گیرد. علاوه بر هدررفت منابع عمومی، این موضوع هزینه فرصت قابل توجهی را به همراه دارد؛ زیرا سرمایه‌گذاری در مؤسسات کم‌کیفیت، فرصت ارتقای سطح علمی و تولید دانش با ارزش را از کشور سلب می‌کند. منابعی که می‌تواند صرف توسعه پژوهش‌های کاربردی یا تقویت زیرساخت‌های آموزشی در مؤسسات با کیفیت شود، در مسیری ناکارآمد مصرف می‌شود.

**۵. عدم انطباق با نیازهای ملی و اولویت‌های رشته‌ای کشور: ماده (۳۴)** به رشته‌ها یا حوزه‌های رشته‌ای خاصی (مانند علوم پایه، هوش مصنوعی و سایر رشته‌های راهبردی) اشاره نکرده است. این موضوع باعث می‌شود اعتبارات به رشته‌هایی تخصیص داده شود که با نیازهای ملی و اولویت‌های کشور همسو نیستند و در نتیجه، منابع عمومی به صورت بهینه هزینه نشوند. عدم تمرکز بر رشته‌های راهبردی، فرصت توسعه فناوری‌های کلیدی، پاسخ‌گویی به نیازهای بازار کار و تقویت مزیت‌های رقابتی کشور را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

**۶. عدم حمایت هدفمند از دانشجویان کم‌درآمد: ماده (۳۴)** به عدالت آموزشی یا حمایت از دانشجویان کم‌درآمد اشاره‌ای نکرده است. این موضوع می‌تواند باعث شود دانشجویان مناطق محروم یا کم‌برخوردار از حمایت‌های مالی محروم شوند و نابرابری‌های آموزشی افزایش یابد.

## ۵. وضعیت فعلی حمایت مالی دولت از زیرنظام‌های غیردولتی آموزش عالی

براساس گزارش‌های موجود، صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم در سال ۱۴۰۲ حدود ۱۷۴ میلیارد تومان تسهیلات به دانشجویان دانشگاه‌های مختلف پرداخت کرده است. از این مبلغ، ۶۱ میلیارد تومان به دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی و ۳۷ میلیارد تومان به دانشجویان دانشگاه‌های غیرانتفاعی اختصاص یافته است. این ارقام نشان می‌دهد که سهم دانشجویان غیردولتی از تسهیلات صندوق رفاه دانشجویان قابل توجه است. از سوی دیگر، صندوق رفاه دانشجویان وزارت بهداشت در سال ۱۴۰۲ حدود ۳۴۳ میلیارد تومان تسهیلات به ۷۰ هزار دانشجوی پرداخت کرده است. در این میان، دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی ۳۱ میلیارد تومان وام شهریه دریافت کرده‌اند [۶]. با این حال، این ارقام همچنان با نیازهای واقعی دانشجویان فاصله دارد. به‌ویژه آنکه منابع اعتباری صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم تنها برای ۷ درصد از حدود ۳ میلیون دانشجوی تحت پوشش این وزارتخانه کفایت می‌کند که این موضوع شامل دانشجویان غیردولتی نیز می‌شود. همچنین، منابع صندوق رفاه دانشجویان وزارت بهداشت نیز تنها برای ۳۶ درصد از دانشجویان کافی بوده که نشان‌دهنده محدودیت‌های موجود در تخصیص اعتبارات به دانشجویان غیردولتی است [۷].

در مجموع، بررسی وضعیت فعلی حمایت مالی دولت از زیرنظام‌های غیردولتی آموزش عالی نشان می‌دهد که اگرچه تخصیص اعتبارات به این بخش صورت گرفته و درصد قابل توجهی از کل منابع به آن اختصاص یافته است، اما این میزان با نیازهای واقعی دانشجویان غیردولتی فاصله دارد. علاوه بر این، این حمایت‌ها محدود به پذیرش دانشجویان از طریق کنکور سراسری شده‌اند، شاخص‌های کیفی در تخصیص اعتبارات لحاظ نشده‌اند، از دانشجویان کم‌درآمد حمایت ویژه‌ای به عمل نمی‌آید و سازوکار شفاف برای انطباق با نیازهای ملی وجود ندارد. بنابراین، ضرورت دارد که سازوکارهای تخصیص اعتبارات به زیرنظام‌های غیردولتی آموزش عالی بازنگری شده و با نیازهای این بخش همسو شود. این بازنگری باید به گونه‌ای باشد که علاوه بر افزایش کارایی، اصول عدالت آموزشی و شفافیت را نیز به‌طور کامل رعایت کند.

## ۶. ضرورت اصلاح قانون از دریچه مؤلفه‌های مرتبط با تنظیم‌گری



با توجه به چالش‌های مطرح شده در بخش‌های قبل، ضرورت اصلاح ماده (۳۴) و ایجاد سازوکارهای نظارتی مؤثر بیش از پیش احساس می‌شود. تنظیم‌گری به‌عنوان یک چارچوب نظارتی و سیاستی، می‌تواند به بهبود تخصیص اعتبارات عمومی کمک کند. این رویکرد با ایجاد شفافیت، تضمین کیفیت آموزشی، انطباق با نیازهای ملی و حمایت از دانشجویان کم‌درآمد، می‌تواند اطمینان حاصل کند که اعتبارات عمومی به‌صورت کارآمدتر و عادلانه‌تر هزینه شده و منافع ملی تأمین می‌شود. بر این اساس و در بخش توصیه‌های سیاستی، پیشنهادهای مشخصی برای اصلاح ماده (۳۴) و ایجاد سازوکارهای نظارتی ارائه شده است. این پیشنهادهای بر پایه اصول تنظیم‌گری طراحی شده‌اند که هدف آنها، بهبود نظام تخصیص اعتبارات عمومی به زیرنظام‌های غیردولتی آموزش عالی است.

**تنظیم‌گری**<sup>۱</sup> به مجموعه‌ای از قوانین، استانداردها و سازوکارهای نظارتی اشاره دارد که توسط دولت یا نهادهای مستقل برای هدایت، کنترل و بهبود عملکرد بخش‌های مختلف جامعه طراحی و اجرا شده [۸] و به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در سیاستگذاری عمومی، نقش مهمی در ایجاد تعادل بین منافع عمومی و خصوصی، تضمین کیفیت خدمات و جلوگیری از شکست‌های بازار ایفا می‌کند. این مفهوم در حوزه‌های مختلفی از جمله اقتصاد، محیط زیست، سلامت و آموزش کاربرد دارد و هدف نهایی آن، بهبود رفاه اجتماعی و تحقق اهداف توسعه‌ای است [۹]. این مفهوم، در طول دهه‌های اخیر، به‌عنوان یک رویکرد مؤثر برای مدیریت منابع عمومی و افزایش پاسخ‌گویی نهادها مورد توجه قرار گرفته است. تنظیم‌گری نه تنها به دولت‌ها کمک می‌کند تا از سوءاستفاده از منابع عمومی جلوگیری کنند، بلکه زمینه را برای مشارکت فعال بخش‌های غیردولتی در تأمین خدمات عمومی را نیز فراهم می‌کند [۱۰] که البته در حوزه‌های مختلف، به شکل‌های متفاوتی ظاهر می‌شود. برای مثال، در حوزه محیط زیست، به‌منظور کاهش آلودگی و حفظ منابع طبیعی اعمال می‌شود [۱۱]. در حوزه سلامت، برای تضمین کیفیت خدمات درمانی و دارویی مورد استفاده قرار می‌گیرد [۱۲]. در حوزه آموزش نیز، به‌عنوان ابزاری برای بهبود کیفیت آموزشی، افزایش شفافیت و تضمین استفاده بهینه از منابع عمومی کاربرد دارد [۱۳].

در حوزه آموزش عالی نیز، تنظیم‌گری می‌تواند به‌عنوان مکانیسمی برای بهبود کیفیت آموزشی، افزایش دسترسی به آموزش و تضمین انطباق فعالیت‌های آموزشی با نیازهای ملی و جهانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. با گسترش بخش غیردولتی در آموزش عالی، تنظیم‌گری نقش کلیدی در ایجاد تعادل بین مسئولیت‌های دولتی و مشارکت بخش خصوصی ایفا می‌کند.

یکی از کارکردهای تنظیم‌گری در این حوزه را ایجاد چارچوب‌های نظارتی برای تخصیص منابع عمومی می‌توان دانست که می‌تواند با تعیین استانداردهای عملکردی، الزام به گزارش‌دهی و نظارت بر نحوه استفاده از منابع، اطمینان حاصل کند که اعتبارات عمومی به‌صورت کارآمد و عادلانه هزینه می‌شوند [۱۴] به‌ویژه در بخش آموزش عالی غیردولتی، می‌تواند به‌عنوان مکانیسمی برای تضمین کیفیت آموزشی، انطباق با نیازهای ملی و جلوگیری از سوءاستفاده از منابع عمومی عمل کند.

بر این اساس، در این گزارش از چارچوب مذکور برای بررسی و بهبود تخصیص اعتبارات عمومی به زیرنظام‌های غیردولتی آموزش عالی استفاده می‌شود. این رویکرد به سیاستگذاران کمک می‌کند تا با ایجاد سازوکارهای شفاف و نظارتی، از هدررفت منابع جلوگیری کرده و کیفیت آموزشی را ارتقا دهند. در عین حال، می‌تواند به ایجاد تعادل بین مسئولیت‌های دولتی و مشارکت بخش غیردولتی در راستای تحقق اهداف توسعه‌ای کشور کمک کند.

برای تحقق این اهداف، توجه به مؤلفه‌های کلیدی تنظیم‌گرانه ضروری است. این مؤلفه‌ها می‌توانند شفافیت در فرایندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع، پاسخ‌گویی نهادهای ذی‌ربط، کارآمدی سازوکارهای نظارتی، سازگاری با نیازهای ملی و انعطاف‌پذیری در تطبیق با تغییرات محیطی باشند. اصلاح ماده (۳۴) قانون الحاق (۱) و طراحی یک نظام تنظیم‌گری مناسب برای تخصیص اعتبارات عمومی در آموزش عالی غیردولتی،



در نظر گرفتن این مؤلفه‌هاست تا بتواند علاوه بر بهبود اثربخشی و کارایی سیاست‌های حمایتی، زمینه ارتقای کیفیت آموزشی، هدایت منابع به اولویت‌های ملی و تقویت نقش تنظیم‌گری دولت در این حوزه را فراهم کند.

## ۱-۶. بررسی و تحلیل اصلاحات مورد نیاز

با توجه به بررسی‌های انجام شده در این گزارش، از جمله تحلیل چالش‌های موجود در تخصیص اعتبارات عمومی به زیرنظام‌های غیردولتی آموزش عالی، بررسی تجربیات بین‌المللی و ضرورت‌های شناسایی شده، نیاز به اصلاح ماده (۳۴) قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۱) بیش از پیش احساس می‌شود. بر این اساس و به منظور ایجاد یک نظام حمایتی کارآمد که منافع ملی را تأمین کند، اصلاحات در عین حمایت از دانشجویان، باید به سمت ایجاد سازوکاری برای **حمایت مستقیم و راهبردی از مؤسسات حرکت کنند**. لذا پیشنهادهاى زیر با هدف افزایش شفافیت، بهبود کیفیت آموزشی، انطباق با نیازهای ملی و حمایت از دانشجویان کم‌درآمد و مناطق محروم و بر پایه اصول تنظیم‌گری طراحی شده‌اند تا نظام تخصیص اعتبارات را کارآمدتر، عادلانه‌تر و همسو با اهداف توسعه‌ای کشور کنند. پیشنهادهای ارائه شده در این بخش شامل اصلاح متن ماده (۳۴) و افزودن چهار تبصره جدید است که هر یک به جنبه‌های خاصی از تخصیص اعتبارات عمومی می‌پردازند.

### پیشنهاد اول: اصلاح متن ماده (۳۴):

#### مقدمه توجیهی:

متن فعلی ماده، تنها دانشجویان را مخاطب قرار می‌دهد. برای ایجاد بستر قانونی لازم جهت حمایت از مؤسسات و تعریف تکالیف متقابل، خود ماده باید اصلاح شود. اصلاحیه پیشنهادی، ضمن به رسمیت شناختن هر دو وجه حمایتی (از دانشجویان و از مؤسسه)، زمینه را برای تبصره‌های اجرایی فراهم می‌کند.

بنابراین پیشنهاد می‌شود متن ماده (۳۴) بدین شکل اصلاح شود:

«به منظور ارتقای کیفیت، تحقق عدالت آموزشی و هم‌سویی با نیازهای ملی، دولت موظف است از دانشجویان و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی، دانشگاه آزاد اسلامی و مؤسسات دارای مجوز از مراجع ذیصلاح، مطابق با اصول و سازوکارهای مندرج در تبصره‌های این ماده، حمایت به عمل آورد».

### پیشنهاد دوم: افزودن تبصره‌های پیشنهادی ذیل ماده (۳۴):

#### ۱ تبصره الحاقی پیشنهادی ۱:

#### مقدمه توجیهی:

**تنظیم‌گری حمایتی مبتنی بر شفافیت و ارتقای عدالت:** یکی از کارکردهای مهم تنظیم‌گری، تصحیح شکست‌های بازار، ترمیم نابرابری‌های اجتماعی و تخصیص هدفمند منابع براساس شفافیت و استانداردهای مشخص است. تخصیص اعتبارات به مؤسسات براساس شاخص‌های عملکردی عینی و شفاف ضمن تقویت عملکرد مؤسسات، به توسعه ظرفیت‌های علمی و فناوری کشور کمک می‌کند. همچنین تخصیص حداقلی از اعتبارات به دانشجویان کم‌درآمد و مناطق محروم، نمونه‌ای از تنظیم‌گری حمایتی است که به افزایش عدالت آموزشی و کاهش تبعیض‌های ساختاری کمک می‌کند. دولت با تدوین و ابلاغ سازوکارهای مربوطه، نقش یک تنظیم‌گر فعال را ایفا می‌کند که نه تنها منابع را هدفمند تخصیص می‌دهد، بلکه دسترسی به فرصت‌های آموزشی را برای گروه‌های کمتر برخوردار تسهیل می‌کند.

#### متن تبصره پیشنهادی:

۱- «اعتبارات مربوط به مؤسسات موضوع این ماده توسط سازمان برنامه و بودجه با همکاری وزارتین علوم و بهداشت، براساس شاخص‌های

۱. تعیین سهم ۳۰ درصد از اعتبارات برای دانشجویان کم‌درآمد و مناطق محروم، با الهام از برآوردهای مربوط به نسبت جمعیت دانشجویان نیازمند حمایت به کل (مندرج در گزارش «بررسی وضعیت عدالت آموزش عالی در ایران فصل اول: داده‌ها و شواهد آماری» به شماره مسلسل ۲۰۰۳۷)، به‌عنوان مبنایی متعادل برای تحقق عدالت آموزشی در نظر گرفته شده است.

عملکردی عینی و شفاف نظیر کیفیت آموزشی، دستاوردهای پژوهشی و میزان فعالیت در رشته‌های راهبردی و اولویت‌های ملی، مستقیماً به مؤسسات واجد شرایط تخصیص می‌یابد. همچنین اعتبارات حمایتی از دانشجویان از طریق صندوق رفاه دانشجویی تخصیص می‌یابد که این صندوق‌ها موظف‌اند حداقل ۳۰ درصد از اعتبارات مذکور را به دانشجویان کم‌درآمد و دانشجویان مناطق محروم اختصاص دهند. وزارتین علوم و بهداشت موظف‌اند فهرست رشته‌ها و حوزه‌های راهبردی و اولویت‌های ملی موضوع این تبصره را به‌طور سالانه اعلان عمومی نمایند و نیز سازوکارهای لازم برای شناسایی دانشجویان نیازمند حمایت را براساس اطلاعات دریافتی از دانشگاه‌ها تدوین و به مؤسسات جهت اجرا ابلاغ کنند».

## ۲ تبصره الحاقی پیشنهادی ۲:

مقدمه توجیهی:

**تنظیم‌گری مبتنی بر استاندارد گذاری و پایش کیفیت:** یکی از وظایف کلیدی نهادهای تنظیم‌گر، تضمین کیفیت خدمات ارائه‌شده توسط بخش غیردولتی است. در این پیشنهاد، الزام دانشگاه‌ها به رعایت استانداردهای آموزشی مصوب و ارائه اطلاعات دقیق درباره عملکرد خود، به دولت امکان می‌دهد که از کیفیت آموزشی در قبال منابع عمومی حمایت کند. این نوع تنظیم‌گری، نه تنها پاسخ‌گویی را افزایش می‌دهد، بلکه از انحراف منابع عمومی به سمت مؤسساتی که کیفیت پایینی دارند جلوگیری می‌کند. همچنین، ایجاد مکانیسم محرومیت از دریافت اعتبارات برای مؤسسات فاقد استانداردهای لازم، ابزاری تنظیم‌گرانه برای ایجاد انگیزه در جهت ارتقای کیفیت است.

متن تبصره پیشنهادی:

«مؤسسات دریافت‌کننده اعتبارات موضوع این ماده، موظف به رعایت استانداردهای آموزشی مصوب وزارتین علوم و بهداشت هستند و باید اطلاعات دقیق و به‌روز در خصوص موارد زیر ارائه دهند: اطلاعات مالی، آموزشی، نیروی انسانی، دانشجویان و پروژه‌های پژوهشی. در صورت عدم رعایت استانداردها یا عدم ارائه اطلاعات، مؤسسه از دریافت اعتبارات محروم خواهد شد.»

## ۳ تبصره الحاقی پیشنهادی ۳:

مقدمه توجیهی:

**تنظیم‌گری مبتنی بر نظارت و پاسخ‌گویی:** برای تضمین اجرای صحیح سیاست‌ها و جلوگیری از انحراف منابع، وجود یک ساختار نظارتی شفاف و پاسخگو ضروری است. این تبصره با تشکیل «کمیته نظارت» و ایجاد «سامانه الکترونیکی»، این ساختار را بنیان می‌نهد. تعریف دقیق مسیر هزینه (واریز به حساب مؤسسه) و موارد مصرف مجاز، ضمن توانمندسازی مؤسسه، از استفاده سلیقه‌ای منابع جلوگیری کرده و شفافیت را نیز تضمین می‌کند.

متن تبصره پیشنهادی:

«به‌منظور نظارت بر تخصیص و استفاده از اعتبارات موضوع این ماده، کمیته‌هایی تحت عنوان «کمیته نظارت بر تخصیص اعتبارات آموزش عالی غیردولتی» در وزارتین علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تشکیل می‌شود. این کمیته‌ها موظفند عملکرد مؤسسات غیردولتی تحت پوشش خود و نحوه تخصیص اعتبارات را به‌صورت دوره‌ای بررسی و گزارش کنند. ترکیب اعضای هر کمیته شامل نمایندگان بخش‌های زیر خواهد بود:

● نماینده وزارت علوم یا وزارت بهداشت (بسته به حوزه تحت پوشش).

● نماینده سازمان برنامه و بودجه کشور.

● نماینده دانشگاه‌های غیردولتی (شامل دانشگاه آزاد اسلامی و مؤسسات غیرانتفاعی).

همچنین، وزارتین علوم و بهداشت موظف‌اند سامانه‌ای الکترونیکی برای ردیابی و نظارت بر تخصیص و استفاده از اعتبارات موضوع این ماده را زیر نظر کمیته موضوع این تبصره ایجاد کنند. این سامانه باید امکان دسترسی عمومی به اطلاعات مربوط به تخصیص اعتبارات و عملکرد مؤسسات را فراهم نمایند. کمیته نظارتی فوق‌الذکر موظف است گزارش اجرای این ماده قانونی را به‌صورت سالانه به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید».



## ۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری



بررسی وضعیت فعلی حمایت مالی دولت از زیرنظام‌های غیردولتی آموزش عالی نشان می‌دهد که اگرچه تخصیص اعتبارات به این بخش صورت گرفته است، اما ظرفیت قانونی پیش‌بینی شده در این موضوع (ماده «۳۴» **قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۱)**) که به حمایت از دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی اختصاص یافته، دارای ضعف‌هایی است که اثربخشی این حمایت‌ها را کاهش داده‌اند. اولاً، این چارچوب از یک ضعف بنیادین رنج می‌برد: این قانون **رویکردی صرفاً دانشجوی محور** دارد و فاقد ابزارهای لازم برای **حمایت راهبردی و مستقیم از مؤسسات** به منظور ارتقای کیفیت و هم‌سویی با نیازهای ملی است. علاوه بر این، محدودیت دامنه شمول حمایت‌ها از دانشجویان، عدم شفافیت در تخصیص اعتبارات و عدم توجه به کیفیت آموزشی و نیازهای ملی از ضعف‌های بارز سازوکار فعلی است. بر این اساس، تکیه بر ادامه این مدل، اثربخشی منابع عمومی را کاهش داده و به سیاستگذار اجازه نمی‌دهد تا از ظرفیت عظیم بخش غیردولتی در جهت تحقق اهداف کلان کشور بهره‌برداری لازم را داشته باشد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود:

### الف) اصلاح ماده (۳۴):

«به منظور ارتقای کیفیت، تحقق عدالت آموزشی و هم‌سویی با نیازهای ملی، دولت موظف است از دانشجویان و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی، اعم از غیرانتفاعی، دانشگاه آزاد اسلامی و سایر مؤسسات دارای مجوز از مراجع ذیصلاح، مطابق با اصول و سازوکارهای مندرج در تبصره‌های این ماده، حمایت به عمل آورد.»

### ب) الحاق تبصره‌های پیشنهادی ذیل ماده (۳۴):

۱ «تسهیلات مربوط به مؤسسات موضوع این ماده توسط سازمان برنامه و بودجه با همکاری وزارتین علوم و بهداشت، براساس شاخص‌های عملکردی عینی و شفاف نظیر کیفیت آموزشی، دستاوردهای پژوهشی و میزان فعالیت در رشته‌های راهبردی و اولویت‌های ملی، مستقیماً به مؤسسات واجد شرایط تخصیص می‌یابد. همچنین اعتبارات حمایتی از دانشجویان از طریق صندوق رفاه دانشجویی تخصیص می‌یابد که این صندوق‌ها موظف‌اند حداقل ۳۰ درصد از اعتبارات مذکور را به دانشجویان کم‌درآمد و دانشجویان بومی مناطق محروم اختصاص دهند. وزارتین علوم و بهداشت موظف‌اند فهرست رشته‌ها و حوزه‌های راهبردی و اولویت‌های ملی موضوع این تبصره را به‌طور سالانه اعلان عمومی نمایند و نیز سازوکارهای لازم برای شناسایی دانشجویان نیازمند حمایت را براساس اطلاعات دریافتی از دانشگاه‌ها تدوین و به مؤسسات جهت اجرا ابلاغ کنند.»

۲ «مؤسسات دریافت‌کننده اعتبارات موضوع این ماده، موظف به رعایت استانداردهای آموزشی مصوب وزارتین علوم و بهداشت هستند و باید اطلاعات دقیق و به‌روز در خصوص موارد زیر ارائه دهند: اطلاعات مالی، آموزشی، نیروی انسانی، دانشجویان و پروژه‌های پژوهشی. در صورت عدم رعایت استانداردها یا عدم ارائه اطلاعات، مؤسسه از دریافت اعتبارات محروم خواهد شد.»

۳ «به منظور نظارت بر تخصیص و استفاده از اعتبارات موضوع این ماده، کمیته‌هایی تحت عنوان «کمیته نظارت بر تخصیص اعتبارات آموزش عالی غیردولتی» در وزارتین علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تشکیل می‌شود. این کمیته‌ها موظفند عملکرد مؤسسات غیردولتی تحت پوشش خود و نحوه تخصیص اعتبارات را به‌صورت دوره‌ای بررسی و گزارش کنند. ترکیب اعضای هر کمیته شامل نمایندگان بخش‌های زیر خواهد بود:

- نماینده وزارت علوم یا وزارت بهداشت (بسته به حوزه تحت پوشش).
- نماینده سازمان برنامه و بودجه کشور.

● نماینده دانشگاه‌های غیردولتی (شامل دانشگاه آزاد اسلامی و مؤسسات غیرانتفاعی).

همچنین، وزارتین علوم و بهداشت موظف‌اند سامانه‌ای الکترونیکی برای ردیابی و نظارت بر تخصیص و استفاده از اعتبارات موضوع این ماده را زیر نظر کمیته موضوع این تبصره ایجاد کنند. این سامانه باید امکان دسترسی عمومی به اطلاعات مربوط به تخصیص اعتبارات و عملکرد مؤسسات را فراهم نمایند». کمیته نظارتی فوق‌الذکر موظف است گزارش اجرای این ماده قانونی را به صورت سالانه به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید».

## منابع و مأخذ



- [۱] گزارش عملکرد دانشگاه آزاد اسلامی بر مبنای سند تحول و تعالی؛ ۱۴۰۲.
- [۲] گزارش وضعیت رشد علمی ایران در مقایسه با سایر کشورها؛ معاونت پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. ۱۴۰۳.
- [۳] مهربانی، وحید و همکاران. گزارش بررسی تطبیقی سازوکارهای حمایت مالی دولت از نظام آموزش عالی در کشورهای منتخب (۱)، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۲.
- [۴] مهربانی، وحید و همکاران. گزارش بررسی تطبیقی سازوکارهای حمایت مالی دولت از نظام آموزش عالی در کشورهای منتخب (۲)؛ مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۲.
- [۵] تنگستانی، محمدقاسم و نصیری، حسین و یوسفی، هادی. گزارش بررسی و مطالعه تکلیف دولت‌ها در حمایت از آموزش عالی در پرتو قوانین و مقررات کشورهای منتخب؛ مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۳.
- [۶] یوسفی، هادی. گزارش ارزیابی عملکرد قانون بودجه سال ۱۴۰۳: حوزه آموزش عالی و تحقیقات، سال ۱۴۰۳، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۳.
- [۷] زراعت‌کیش، یوسف. گزارش ارزیابی عملکرد تبصره‌های مرتبط با حوزه آموزش عالی و تحقیقات در قانون بودجه سال ۱۴۰۲؛ مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۲.
- [8] Baldwin R, Cave M, Lodge M. Understanding regulation: theory, strategy, and practice. Oxford: Oxford University Press; 2012.
- [9] Levi-Faur D. Handbook on the politics of regulation. Cheltenham: Edward Elgar Publishing; 2011.
- [10] Jordana J, Levi-Faur D. The politics of regulation: institutions and regulatory reforms for the age of governance. Cheltenham: Edward Elgar Publishing; 2004.
- [11] Gunningham N, Grabosky P, Sinclair D. Smart regulation: designing environmental policy. Oxford: Oxford University Press; 1998.
- [12] Braithwaite J. Regulatory capitalism: how it works, ideas for making it work better. Cheltenham: Edward Elgar Publishing; 2013.
- [13] Marginson S. Higher education and the common good. Melbourne: Melbourne University Publishing; 2016.
- [14] Hood C, Rothstein H, Baldwin R. The government of risk: understanding risk regulation regimes. Oxford: Oxford University Press; 2001.





#### گزیده سیاستی

حمایت دولت از آموزش عالی غیردولتی عمدتاً دانش‌محور بوده و در توانمندسازی راهبردی و ارتقای کیفیت مؤسسات ناکافی است. لذا ضروری است حمایت دولت بر اساس شاخص‌های عملکردی و نیازهای ملی به هر دو بخش دولتی و غیردولتی تخصیص یابد تا به افزایش کیفیت، کارایی و عدالت آموزشی منجر شود.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ | صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ | پست الکترونیک: [mrc@majles.ir](mailto:mrc@majles.ir)

وبسایت: [rc.majles.ir](http://rc.majles.ir)